

متن پیاده سازی شده

بسم الله الرحمن الرحيم

بحثی که از امروز شروع می کنیم بحث فقه و قرآن است .

قرآن کریم به عنوان یکی از اسناد استنباط در نزد همه مذاهب فقهی است؛ و اگر اختلافی هم وجود دارد در جزئیات است و گرنه ما ندیده ایم یک مذهب فقهی که قرآن را به عنوان سند قبول نکرده باشد. اخباریین بنا بر آنچه به آنها استناد داده شده ظاهر قرآن را حجت نمی دانند. در این بحث هم، ما یکبار از بُعد نظری بحث می کنیم و یک بار هم رویه فقهاء را بررسی می کنیم؛ گاهی مساله از حیث نظری روشن است اما در رویه استنباط اختلاف است؛ شنیده ایم مثلاً شخص اصولی است اما اخباری فتوا می دهد یا مثلاً اشعری است اما معتزلی می اندیشد.

در بحث فقه و قرآن مثلاً دو فقیه مثل هم می اندیشند اما عملاً رویه‌ی متفاوتی دارند مثل: آقای حکیم و آقای خویی در استفاده از قرآن متفاوت هستند در برخی مواقع آقای خویی به قرآن تمسک کرده است؛ اما مرحوم حکیم به قرآن استناد نکرده یا بالعکس. (تردید از ناحیه استاد)

بحث فهم قرآن از صدر اسلام مورد بحث بوده است؛ در صدر اسلام دو جریان مهم وجود داشته است: در فهم قرآن باید به اهل بیت مراجعه کرد (خیلی از شیعیان و غیر شیعیان قائل به این قول بوده اند) ولی در مقابل این جریان برخی معتقد بودند که قرآن مخاطب خاص ندارد و برای همه قابل فهم است؛ این رویه بعدها گاهی نظراً و گاهی عملاً طرفدار پیدا می کند. در دوران های گذشته (قبل از انقلاب) یکی از بحث های مهم همین بود؛ برخی از مذهبی های روشن فکر می گفتند که فهم قرآن همگانی است اما برخی می گفتند و لو قرآن بیان و ذکر است؛ اما باید اهل ذکر و بیان قرآن را بیان کنند؛ امروزه هم بحثی با عنوان هرمونوتیک مطرح است و این بحث با فهم متون مقدس شروع شد و قرآن هم یک متن الهی است و لذا تمام بحث های هرمونوتیک در آن پیاده می شود. این بحث فقه و قرآن در کتاب های اصول به صورت مستقل بحث نشده است. نکته: اینکه فکر کنیم همه کارها انجام شده و برای ما کاری نمانده است این فکر خطرناکی است؛ ما هر جا که مراجعه می کنیم می بینیم 5% یا 10% بحث پیش رفته است.

دوستان ما در این مجال بحث فهم قرآن را نمی کنیم چنانکه بحث فقه و قرآن هم نمی کنیم. و همچنین بحث های ذیل را هم نمی خواهیم بکنیم:

قرآن چقدر آیات الاحکام دارد؟ برخی گفته اند تمام آیات قرآن، آیات الاحکام است برخی گفته اند سیصد و اندی و... گسست آیات مبین مقاصد و مبین شریعت: آیات قرآن به مبین مقاصد و مبین شریعت تقسیم می شود؛ گفتیم برخی آیات مقاصد پیامبران را می گوید و برخی آیات، آیات الاحکام (مبین شریعت) است؛ حال آیا می شود از آیات مبین مقاصد استفاده کرد یا نه؟

ما فقط می خواهیم بحث کنیم که آیا ظواهر قرآن برای مستنبط حجت است یا نه؟ آیا آیات قرآن کریم مثل احادیث است که ظواهرش حجت باشد (بحث کبروی)؟ یا بنابر گفته برخی: آیا قرآن ظاهر دارد یا نه؟ (بحث صغروی)

شیخ انصاری می فرماید: نزاع اخباری ها صغروی است اما مرحوم آخوند می فرماید: نزاع هم صغروی است و هم کبروی. در مبحث فقه و قرآن ما فقط یک مطلب را ذکر می کنیم و آن اینکه آیا قرآن ظهور دارد یا نه؟ یا ظواهرش حجت است یا نه؟ به سراغ مرحوم آخوند می رویم: در کفایه: بحث فقه و قرآن عنوان مستقل ندارد؛ اما ایشان می فرماید لا فرق در حجیت ظاهر بین ظواهر احادیث معصومین و قرآن کریم. بعد ایشان می فرماید برخی اصحاب (مقصودش اخباری هاست) می گویند ظواهر

قرآن حجت نیست۔ در ابتدا ایشان نزاع را کبروی معنا می کنند۔

مرحوم آخوند بدون اینکه آدرسی از کلام اخباری ها بدهد 6 دلیل از عوض اخباری ها می آورد و پاسخ می دهد. دلیل اول اخباریین: قرآن فهمنده خاص دارد مخاطب خاص دارد انما يعرف القرآن من خوطب به و لذا فقط ائمه قرآن را می فهمند و بعد ایشان استشهاد می آورد به کلام امام به ابو حنیفه، که حضرت سوال کردند شما بر چه اساسی فتوا می دهید؟ عرضه داشت براساس قرآن؛ سپس حضرت فرمودند: ما مخاطب قرآن هستیم نه شما!

دلیل دوم: قرآن مشتمل بر مطالب عالیه و غوامض است و لذا هرکسی نمی تواند از آن استفاده کند. فرق دلیل اول و دوم: دلیل اول قرآن مخاطب خاص دارد و کاری به مطالب عالیه و... ندارد اما در دلیل دوم بر مخاطب تاکید ندارد بلکه به محتوی (مطالب عالیه) تاکید دارد.

دلیل سوم: ظواهر قرآن از متشابهات است و نباید به متشابهات اخذ شود پس ظواهر نباید اخذ شود. اگر کسی بگوید چه کسی گفته ظواهر جز متشابهات هستند؟ اخباری گوید نتیجه تابع اخس مقدمات است.

دلیل چهارم: ظواهر قرآن اصلاً متشابه نیست اما قرآن آنقدر تخصیص و تقييد خورده که وقتی ما ظاهر می بینیم نمی توانیم به آن عمل کنیم.

دلیل پنجم: اخذ به ظواهر تفسیر به رای است.

دلیل ششم: قرآن تحریف شده و برخی از آیات قرآن حذف شده و لذا شاید اگر آیات محذوف در نزد ما بود ما علم اجمالی پیدا می کردیم.

الحمد لله رب العالمين